

شماره هفت

و

هفت پیکر نظامی

I - اهمیت ((هفت))

۱- هفت نزد اقوام مختلف

از میان اعداد شماره هفت از دیرباز مورد توجه اقوام مختلف جهان بوده اغلب در امور ایزدی و نیک و گاه نیز در امور اهریمنی و شر بکار میرفته است. وجود برخی عوامل طبیعی مانند تعداد سیاره های مکتشف جهان باستان و همچنین رنگهای اصلی و مانند آنها مؤید رجحان و جنبه ماوراء طبیعی آن گردید.

قدیم ترین قومی - تا آنجا که آنگاهیم - که بعد هفت توجه کرده قوم سومر (۱) است چه آنان متوجه سیارات شدند و آنها را بصورت ارباب انواع پرستیدند.

بابلیان عدد هفت را مورد توجه قرار دادند چنانکه تعداد سیارات و فرشتگان مقرب و ایام هفته و انتساب آنها بفرشتگان مزبور - چنانکه بیاید - مؤید این منی است.

عرب نیز ، چه در جاهلیت و چه در اسلام ، باین عدد اهمیت مینهاد. از آنجمله در جاهلیت هفت بار طواف بدور کعبه (۳) و هفت بار رمی حجر ، بین صفا و مروه بهنگام مراسم حج (۴) معمول بوده است . عقیده عرب مسلمان نیز در مورد توجه بهفت ، از این پس نکاشته خواهد شد .

اقوام هند و اروپائی
شماره هفت مستقلاً نزد همه اقوام هند و اروپائی نیز مقدس بوده است . در نظر یونانیان ، هفت

مخصوصاً آبولو (۵) خداوند پرشکی و شعر و صنعت بود و هفت روز مانده بهاء نو برای او قربانی میکردند . از شعب اقوام مزبور ، هند و ایرانیان ، اهمیتی مخصوص برای هفت قائل بودند : هفت پروردگار آریائی که نزد هندوان بنام آدی تیا (۶) خوانده میشوند و هفت امشاسپندان ایرانیان باستان علاقه آنانرا بعدد مزبور میرساند (۷) .

اقوام سامی نژاد
بدون شك ماخذ مقدس بودن عدد مزبور نزد اقوام سامی بر اثر نفوذ سیارات سبعة است

که از ارباب انواع سومریان محسوب میشدند . بابلیان سامی نژاد ، برای عدد هفت اهمیت بسیار قائل بودند . تاریخ و آئین ایشان (از جمله شماره سیارات و طبقات آسمان و زمین و حدائق معلقه و غیره (۲)) حاکی از امثله این احترام و تقدیس است .

بنی اسرائیل سامی نژاد نیز بستقلید

(۱) قوم سومر Sumer از جهت نژاد نه سامی هستند و نه آریائی و آنان در جنوب عراق کنونی سکونت و حکومت داشته اند و تمدن ایشان بهزار سال پیش از مسیح میرسد . رگ : مجله سخن سال سوم شماره ۸-۹ (کشف مبداء داستان آفرینش) ترجمه نگارنده . (۲) ذکر آنها بیاید . (۳) دائره المعارف اسلام : سعی . (۴) دائره المعارف اسلام : سبع . (۵) Apollon (۶) Aditya (۷) یشتها تألیف آقای پورداد ج ۱ ص ۷۴-۷۵ .

۲ = هفت در مذاهب

اختران نزدیک میشود از شوائب و نقائص دور میگردد. اینجا مرکز نظام عمومی آفریدگانست و مردم آنرا مملکت آفتاب یا حظیره قدس مینامند (۱۰).

شماره هفت در نظر ارباب مذاهب نیز اهمیتی خاص دارد. از عقیده سومریان و بابلیان - که عقاید مذهبی آنان با معتقدات قومی سمزوج بوده - بیشتر ذکری رفت و از این پس نیز شرح آن بیاید.

هفت امشاسپندان نزد ایرانیان زرتشتی
توجه و احترام آنانرا باین عدد

آیین
زرتشتی

میرساند، چه آنان بهفت فرشته مقرب یا مهین فرشتگان معتقد بودند که نام شش تای آنان در ضمن نام ماههای دوازده گانه امروزه مندرج است:

وهومن (۱۱) = بهمن

اشه وهیشته (۱۲) = اردیبهشت

خشره وئیریه (۱۳) = شهریور

سپته ارمیثی (۱۴) = سپندامد

هنوروات (۱۵) = خرداد

امرتات (۱۶) = مرداد

در آغاز پیدایش مزدیسنا، در رأس این شش، سبتامینیو (۱۷) (خرد مقدس) قرار داشت. بعدها بجای او اهورمزدا - خدای بزرگ - را قرار دادند و گاه نیز بجای وی، سروش (۱۸) را در سرامشاسپندان نام میبردند (۱۹).

همانگونه که شش امشاسپند کارگزاران مهم اهورا بشمار میروند و خویبهارا در جهان می پراکنند اهریمن نژادش عامل شر آفریده است که بوسیله آنان بدبها را در عالم منتشر میسازد. این گروه را کماریگان (۲۰) نامند و ازینقرارند:

اگره (۲۱) = برابر بهمن

ایناره (۲۲) = (نام خدای دیرین آریائی) برابر

آیین
برهمانی

هفت پروردگار هندوان بنام آدی تیا (۱) خوانده میشود که نام سه تن از آنان در وادی موجود

یاد شده: میتره (۲) وارونه (۳) و ایندیره (۴) (۵). در ریگ ودا (۶) آمده است که هفت اسب گردونه خورشید را میکشد. بعقیده هندوان انسان هفت بار میبرد و باز بدنیا میآید. در روز عروسی، داماد و عروس باید هفت گام با هم بردارند (۷).

آیین مغان

در سیاحتنامه منسوب بفیثاغورس (۸) درباره عقیده مغان غیر

زرتشتی ایران، از قول یکی

از آنان چنین آمده: روح پس از مرگ آدمی ناگزیر است از هفت معبر یا هفت در بگذرد. این مسافرت چند میلیون سال امتداد خواهد داشت تا بقرص آفتاب یا فلک اطلس که جایگاه نیکبختانست برسد، هر در بشکل دگرگون و مرکب از فلز جداگانه چون مدخلی است بر اختر سیاریکه مدیر و مدبر آن فلز است (۹).

از در نخست بکیوان و از آخرین بناهید توان رفت. این را جنبش اجرام آسمانی وزمینی و کمال طبیعت مینامیم. روح متوالیاً در سیارات که گرد آفتاب میگردند سکنی میکند و هر اندازه بخوابد

(۱) آدی تی Aditi ربه النوعی است که مادر آدی تیا محسوب میشود. (۲) Mitra (۳) Vāruna

(۴) Indra (۵) مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی. تألیف نگارنده ص ۲۸. (۶) Rigveda

(۷) یشتها. ج ۱ ص ۷۸. (۸) اگر چه کتاب مزبور از آن فیثاغورس نیست و بعدها نوشته بدون نسبت

داده اند معینا حاوی مطالبی مفید راجع بایران باستان است.

(۹) رك: عنوان (هفت در علوم مخفی) در رساله حاضر

(۱۰) سیاحتنامه فیثاغورس ترجمه اعتصام الملك ص ۱۳۳-۱۳۴

(۱۱) Vohuman (۱۲) Asha vahishta (۱۳) Xshathra Vairya (۱۴) Spānta Armairi

(۱۵) Haurvatât (۱۶) Amərətât (۱۷) Spantâ Mainyû (۱۸) Sraosha (۱۹) مزدیسنا و تأثیر

آن در ادبیات پارسی ص ۱۵۷-۱۵۸. (۲۰) Kamârikân (۲۱) Aka-manah (۲۲) Indra

ستوروه (۱) = (نام خدای دیرین آریائی) او بسفر روحانی رفت و شش موبد از یک سوی آتشگاه با اجرای مراسم دینی مشغول شدند. ویراف را هفت خواهر بود و سفر روحانی او هفت روز طول کشید (۱۱).

عدد هفت در کتاب مقدس یهود بعنوان **آیین یهود** عدد تام و کامل استعمال شده و نمونه آن در اغلب مواضع توریة مذکور است :

جانورانی که بانوح در کشتی داخل شدند هفت هفت بودند (۱۲) و شماره گاوها و سببیه‌هایی که فرعون در خواب دید هفت بود (۱۳) و سالهای فراخی و سالهای قحطی، هر یک هفت سال طول کشید (۱۴) و قوم یهود نیز میبایست در روز هفتم هفته و سال جمع شوند و سال (یوییل) هم عبارتست از هفت هفت سال و عید فطیر و عید سایبانها، هر یک هفت روز و فدیها نیز هفت شاخه بود و چون بنی اسرائیل برای تصرف (اریحا) جمع آمدند، مأمور شدند که هفت گرتابنوازند و ناهفت روز، روزی یکبار و روز هفتم هفت بار در حصار اریحا طواف کنند (۱۵). هفت دفعه و هفت چندان نیز دلالت بر عدد کامل کند (۱۶) و اغلب در کتب مقدس مراد از هفت عدد بسیار است. و نیز یهود بتقلید بابلیان از روی سیارات هفت گانه، بهفت خروسته قائل شدند (۱۷) و فرمانروایی

نا اونگ هئی تیا (۲) = برابر سپندارمند
تثوروی (۳) = برابر خرداد
زئیریش (۴) = برابر امرداد
برین شش تن گاه خود اهریمن را می‌افزایند
و گاه ائشمه (۵) (دیوخشم) را که در برابر سروش است، تا عدد هفت کامل شود (۶).

هر سعادت یا شقاوتی که نصیب بشر و آفریدگان دیگر شود نتیجه تأثیر هفت و دوازده است. دوازده صورت بروج، طبق آئین، دوازده امیر اهور مزدا بند و هفت سیاره هفت امیر اهریمن. این هفت آفریدگان را تسلیم مرک و انواع مصائب میکنند. سرنوشت جهان زیرین بسته بدوازده صور بروج و هفت سیاره است (۷).

هفت قطعه هپتن هائیتی (۸)، پس از گاتها، قدیمترین بخشهای اوستا محسوب میگردد و آن شامل هفت ها (فصل) است که از بسنای ۳۵ آغاز میشود و بایسنای ۴۲ پایان می‌یابد (۹). هفت کشور نیز - که شرحش بیاید - در اوستا سابقه متدد دارد. در ترجمه ارداویرافنامه آمده (۱۰) که از میان همه مزدیسنان، هفت موبد پارسا و پرهیز-کار برگزیدند و آنان ویراف را انتخاب کردند و

(۱) Saurva (۲) Naong haithyâ (۳) Taurvi (۴) Zairish (۵) Aêshma

(۶) مزدیسنا ... ص ۱۶۳-۱۶۴ (۷) Questions de cosmogonie et de cosmologie

mazdêennes, par H. S. Nybery. Paris. 1929, p. 199.

(۸) Haptanhâiti (۹) اساساً هفت ها عبارت بود از هفت فصل ولی بعدها فصلی کوچک بدان

افزوده شد. گاتها تألیف آقای پوردادود: هفت‌ها و نیزیشتها تألیف معظم له ج ۱: هفت تن پشت بزرگ.

(۱۰) ارداویرافنامه تألیف نگارنده ص ۵۸ بیعد (ترجمه قدیم پارسی). (۱۱) ارداویرافنامه

ترجمه بارتلمی بفراتسه، ارداویرافنامه ترجمه وست بانگلیسی. (۱۲) سفر پیدایش ۲۷.

(۱۳) سفر پیدایش ۶: ۲-۷. (۱۴) سفر پیدایش ۴۱: ۲۶-۳۲. (۱۵) و علاوه بر اینها در موارد ذیل

هفت بعنوان عدد کامل ذکر شده: کتاب اول سموئیل ۵: ۲، کتاب ایوب ۵: ۱۹، امثال سلیمان

۲۶: ۱۶ و ۲۵، کتاب اشعیا ۴: ۱، کتاب ارمیا ۱۵: ۹. (۱۶) سفر پیدایش ۴: ۱۵ و ۲۴،

سفر لاویان ۲۶: ۲۴، مزامیر ۱۲: ۶ و ۷۹: ۱۲ (نقل از قاموس کتاب مقدس تألیف ها کس ترجمه

فارسی ص ۹۲۱-۹۲۲). (۱۷) چنانکه زرتشتیان بهفت امشاسپند معتقدند.

هر يك از روزهای هفته را یکی از آنان سپردند
ازینقرار :

رفائیل = خورشید ، چیرائیل = ماه ، شمائیل =
بهرام (مریخ) ، میکائیل = تیر (عطارد) ،

روکائیل = برجیس (مشتري)، انائیل = ناهید(زهره)،
سبات میل یا کفرائیل = کیوان (زحل) (۱).

عدد هفتاد نیز که تکثیر هفت است مورد توجه
بود : دانیال در سال سوم پادشاهی کوروش

بخواب دید که خداوند روحی فرستاد که اورشایم
(بیت المقدس) هفتاد سابوع تعمید میشود و برای

قوم تو جایگاه امن و راحت میگردد ... و سابوع
هفت سال است و از این مدت هفت سابوع در بنای اورشلیم

بگذشت و این همان زمانست که زکریا بن برخیا بن عداو
در کتاب خود میگوید : « من مناره ای را در خواب

دیدم که در آن هفت چراغ بود هر يك را هفت زبانه
و مسیحیان برای این کلمات تعبیراتی قائلند (۲).

مهر پرستی

(۳)

در آیین مهر پرستی که انعکاسی از
آیین ایران باستان است، هفت درجه و

مقام تقدس قائل بوده اند ، برای دخول بهر يك از
درجات ، شست و شوی مخصوص لازم بوده است و

مأخذ غسل تعمید عیسویان همین است . در هر يك از
روزهای هفته درجایی معین در معبد از ستاره مخصوص

همان روز (۴) استغانه میشده و روز بکشنه را که
مخصوص بخود خورشید بود مقدس میشدند (۵).

در سیاحتنامه منسوب بفیثاغورس بدینمعنی اشاره
شده ، در مراسم پرستش ایرانیان مهرا ، آمده (۶) :

« از خواص ، هیچکس بدرجات هفتگانه سیارات ارتقاء
نیافت و بآخرین مرتبه کمال نرسید . »

هفت معجزه از سی و سه معجزه
آیین مسیحی

مسیح در انجیل یوحنا مذکور است (۷)
یوحنا لاهوتی در مکاشفات خود بهفت کلیسا

خطاب کرده و در رؤیا هفت روح و هفت مهر و هفت
صورت و برای مذبح دارای هفت شاخ و هفت چشم ،

و هفت پیاله زرین و هفت بلا و هفت فرشته که در
حضور خدا ایستاده اند و بدیشان هفت کرنا داده

شده ، رؤیت کرد (۸) .
در انجیل متی از هفت روح باید سخن را نیده

شده است (۹) . نزد کاتولیکان ، هفت مناسک ،
هفت گناه اصلی ، هفت مزامیر توبه ، هفت اندوه ،

هفت شادی و هفت افتخار در تاریخ مریم عذرا و غیره
تبت است . « هفت گفتار مسیح » باقوالی اطلاق میشود

که گویند مسیح بر فراز صایب و پیش از مرگ گفته است
هفتاد دفعه هفت ، نیز عددیست در نهایت تمامیت

و کمال (۱۰)

اگرچه در آیین مانوی عدد پنج
بخصوص کمال اهیت را دارد (۱۱)

آیین مانوی

معهد شماره هفت نیز مورد توجه است انسان نخستین که
خسته و رنجور بود ، هفت بار پدر را بیاری خویش

خواند . درین آیین هفت ایزد ، که قابل مقایسه با
هفت امشاسپندان مزدیسنا هستند ، شناخته شده (۱۲)

از اینقرار :
بدر عظمت یا سروشاو (۱۳) یا زروان ، مادر

حیات (یا مادر زندگان) یارام راتوخ (۱۴) ، انسان
نخستین (اوهر مزدا) دوست روشنائی یا نریسف (۱۵) ،

بان (۱۶) اعظم ، روح زنده یا عقل ، پیامبر (سومین
رسول) خدای عالم نور یا نریسه (۱۷) یا ایزد میثرا

(مهر) یا میشی بها که (۱۸) .
ابن الندیم در شرح عقاید مانویان (چهار با هفت نماز)

را نزد آنان واجب شمارد (۱۹) . (نا تمام)

(۱) یشتها ، ج ا ص ۷۴ (۲) آثار الباقیه چاپ زاخاوس ۱۶ . (۳) Mithriacisme
Mithra-cult = Mithrakult (۴) رك: عنوان (روزهای هفته) (۵) یشتها ، بوردادود . ج ا

ص ۱۷-۴۱۸ . (۶) سیاحتنامه فیثاغورس ترجمه اعتصامی ص ۷۳ . (۷) قاموس کتاب مقدس ص ۹۶۷ .
(۸) همان کتاب ص ۹۲۱-۹۲۲ و Holy Bible, London (۹) ۱۲: ۴۵ (۱۰) انجیل متی ۱۸: ۲۲ و ۲۱: ۲۲

(۱۱) Salmân Pâk, par L. Massignon. Publications de la Société des Etudes
Iraniennes. No. 7. Tours, 1934, p. 39 note 7.

(۱۲) بعلاوه عقیده بخدایان هفتگانه که مرکب از دو تثلیث و خدای واحد باشد در نزد کلدانیان عهد
مانی رواج داشته است رک: L' Iran Sous les Sassanides, par A. Christensen: (۱۳) Srôshâv (۱۴) Râmrâtukh (۱۵) Narisaf (۱۶) Bân (۱۷) Narisah

(۱۸) Mishêsbhaghê (رك: ایران در زمان ساسانیان ۱۹۴۴ ص ۱۸۶ پیوسته) (۱۹) الفهرست چاپ مصر ص ۶۵ .
(۱۶)